



حرمت دشنام به دشمنان خدا/ ائمه چه کسانی را لعن می کردند؟

آیت الله تهرانی گفت: قرآن می فرماید به کسانی که بهره‌ی از ایمان ندارند دشنام ندهید. چراکه آن فرد در جواب دشنام شما به مقدسات شما توهین خواهد کرد.

آیت الله تهرانی گفت: قرآن می فرماید به کسانی که بهره‌ی از ایمان ندارند دشنام ندهید. چراکه آن فرد در جواب دشنام شما به مقدسات شما توهین خواهد کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر نکاتی از سخنرانی آیت الله مرتضی تهرانی در مورد آیه «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» در جلسه پنج‌شنبه، 18 آذر 1395 است که در ادامه می خوانید؛

حرمت دشنام به دشمنان حق تعالی

این آیه‌ی کریمه، آیه‌ی صد و هشت از سوره‌ی مبارکه‌ی انعام، سومین سوره از قرآن کریم است. از لحاظ ادبی، اولین کلمه در این آیه‌ی کریمه نهی است. همان گونه که امر، ظاهر در وجوب و الزام است، نهی هم ظاهر در حرمت و الزام به ترک است. ترجمه‌ی این آیه‌ی کریمه این است که به کسانی که بهره‌ی از ایمان ندارند دشنام ندهید. دلیل این حکم نهی و حرمتی در جمله‌ی بعد آیه‌ی کریمه آمده است: «فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» یعنی به کسانی که با خدای متعال کار ندارند فحش و دشنام ندهید. این افراد مانند مشرکین، یا مانند قاتلین ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه از کفاری هستند که طبق روایات، خدای متعال هیچ شفاعتی را در مورد آن‌ها نمی‌پذیرد. طبق روایات معتبر، حق تعالی اراده فرموده است که این‌ها به جهنم بروند.

ما دوست داریم که بنده‌ی مطیع حق تعالی باشیم. علاوه بر آن که ما می‌خواهیم متدین باشیم، می‌خواهیم متمدن هم باشیم، یعنی به آداب و فرهنگ و سنت اسلام هم مؤدب باشیم. مطمئناً انسان اگر هم متدین و هم متمدن باشد بسیار بهتر و برتر است از این که متدین باشد، ولی متدین جلف و بی‌ادب و دور از اخلاق باشد. البته این جملات اجمال دارد و ما نمی‌فهمیم که کدام فرهنگ است که مورد قبول حق تعالی است. ممکن است دو انسان، در فرهنگ و اخلاق با هم تضاد داشته باشند و در عین حال هر کدام مدعی شوند که متدین متمدن، به مدنیت و فرهنگ اسلامی هستند. این اختلاف‌های سلیقه‌ای را باید بررسی کرد تا در صورتی که با معیارهای صحیح الهی تطبیق کرد پذیرفته شود و اگر با معیار الهی تطبیق نکرد، کنار گذاشته شود.

در آیه‌ی کریمه‌ی یکصد و هشت از سوره‌ی مبارکه‌ی انعام خدای متعال می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ». دشنام و فحش به کسانی که منکر خدا و کافر هستند، ندهید. به عنوان مثال، در مورد شمر یا عمر سعد یا عبیدالله بن زیاد یا یزید ما شک نداریم که آن‌ها از مصادیق کسانی هستند که با خدای متعال کاری ندارند و جدای از او هستند. نام این افراد به طور مشخص در لعن زیارت شریفه‌ی عاشورا وارد شده است. در جای دیگر هم اولی و دومی و سومی و چهارمی و پنجمی ذکر شده که تقریباً شبیه به تصریح است. ذکر بعضی از افراد هم در خود لعن، قبل از سلام زیارت شریف عاشورا، به طور کلی آمده و مانند آن پنج نفر ذکر نشده است. عناوین ذکر شده در لعن، «أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ»، عناوین کلی است که به همین‌گونه از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین صادر شده است و ما هم همین‌گونه می‌خوانیم و به آن تقرب می‌جوئیم.

انسان بُعد حیوانی و نفس اماره‌ی بالسوء دارد که گاهی از اوقات می‌خواهد لذت ببرد. از سوی دیگر، عقل هم دارد و عقل هم به هدایت دین می‌خواهد در مواردی لذت ببرد. خدای متعال تکلیف به نماز کرده است. نماز می‌خوانیم و لذت می‌بریم. خدای متعال تکلیف به روزه کرده است. روزه می‌گیریم و لذت می‌بریم. خدای متعال انسان را از برخی کارها نهی کرده است با وجود این که هوای نفس او میل دارد که آن کارها را انجام دهد. ما غیبت نمی‌کنیم، تهمت نمی‌زنیم و از مجلس معصیت خارج می‌شویم، با وجود این که علاقمند هستیم آن جا باشیم و تماشا کنیم. عقل ما از ترک آن مجلس لذت می‌برد، هرچند نفسمان از ما ناراحت و ناراضی می‌شود. این تضاد، همیشه تا دم مرگ در وجود هر انسان هست.

ارزش شعور در عملکرد انسان

اگر انسان در جهت عقلی خود، قوی باشد با خود خواهد گفت که لذت تبعیت از نفس اماره در این هفتاد-هشتاد سال عمر دوام ندارد و سطحی و متناهی است. اما مقلد عقل و دین بودن هم لذت دارد و ناراحتی‌اش کمتر است و دوام آن تا هنگامی که خدای متعال خدایی می‌کند وجود دارد. عده‌ای از متدین‌ها این مطالب را درک نمی‌کنند، که ان شاء الله جزء اکثر اهل الجنة،

یعنی بله‌اء هستند. اما جای افسوس دارد که آن‌هایی که این نکات را می‌فهمند، فهم خود را زیر پا بگذارند. فهم، بسیار شریف است. مرحوم حاج آقا رضوان الله تعالی علیه در روزهای پایان عمر خود، در حال کما بود. ایشان گاهی به هوش می‌آمد و به یکی از دوستان خیلی نزدیک که کنار بستر ایشان نشسته بود می‌فرمود: «محمد آقا شعور خوب چیزی است».

مرحوم حاج آقا از شاگردان خوب مرحوم آقامیرزا جواد ملکی تبریزی و از دوستان نزدیک مرحوم آقا شیخ مرتضی زاهد بود. ایشان در آن لحظات نفرمود که محمد آقا، انفاق خوب چیزی است. زیرا اگر در کنار انفاق شعور نباشد، انفاق چیز خوبی نیست. اگر در کنار عبادت شعور نباشد، آن عبادت، خوب محسوب نمی‌شود. اول شعور، خوب چیزی است که این فرد، انسان شود. آن‌گاه خدای متعال از انسان توقع دارد که عباداتی مانند نماز و روزه، را در زمان مقرر آن به جا آورد. ما باید مفهوم این جمله کوتاه را درک کنیم و به جایی برسیم که دوست داشته باشیم یک بنده‌ی با شعور الهی باشیم، تا بدین ترتیب انجام اعمال و ترک برخی از کارها را با شعور انجام دهیم.

در زندگی روزمره‌ی انسان، گاهی قوه‌ی شهوت به معنای عام، یعنی خواستن، کار می‌کند. به عنوان مثال، انسان برای کسب درآمد تلاش می‌کند، مواد غذایی تهیه می‌کند و از آن بهره می‌برد. گاهی از اوقات غضب فرد کار می‌کند و با این قوه دفع مؤثر می‌کند، یعنی با این نیرو آن‌چه که سازگار با مزاج او نیست را از خود دور می‌کند. به عنوان مثال هنگام عبور از محیطی که گرد و خاک دارد، دست خود را جلوی بینی می‌گیرد و سریع رد می‌شود. زندگی طبیعی انسان با اعمال و به کار بستن این دو نیرو اداره می‌شود.

ترازو بودن چهارده معصوم صلوات‌الله‌علیهم

در آیه‌ی کریمه از سوره‌ی مبارکه‌ی حدید آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ». لازم است در بحث مربوط به این آیه، حقیقت عبودیت ترسیم شود و حقیقت ولایت هم مورد اشاره قرار بگیرد. در این آیه کلمه میزان به معنی ترازو ذکر شده است. ترازو بودن چهارده معصوم صلوات‌الله‌علیهم به معنای وسیله‌ی سنجش بودن برای عقل و فکر انسان است تا انسان با عقل خود دریابد که باید چه چیزی را بپسندد و چه چیزی را نپسندد.

به لحاظ ظاهر و طبیعت صحنه‌ای ناراحت کننده‌تر از صحنه‌ی عاشورا در تمام عمر ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه وجود نداشت. دلیل سنگینی و شدت مصائب از فرمایش حضرت مشخص می‌شود که بنابه نقل، در هنگام شهادت فرزند شیرخوار خود فرمودند: «هُوَ عَلَى مَا نَزَلَ بِهِ أَنْ هَذَا بَعِثَ اللَّهَ». یعنی این صحنه‌ها بر من آسان است. اگر حضرت این مطلب را به خود تلقین نمی‌فرمودند، ممکن بود سنگینی مصیبت ایشان را از پای درآورد. در چنین شرایطی هنگامی که رجولیت و غیرت و عصیت ایمانی حضرت فوران می‌کند، نسبت به یزید پسر معاویه می‌فرماید: مردم آگاه باشید که این دعای پسر دعی، یعنی پست پسر پست، مرا بین انتخاب دو چیز مختار کرده است که یا با او بیعت کنم و یا بجنگم. نهایت تعرض لفظی آن حضرت نسبت به دشمن خود که همان دشمن خدای متعال است، جمله‌ی «إِنَّ الدَّعَى بَنَ الدَّعَى» بود.

حق تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ». حتی به افرادی منحرف مانند شمر دشنام ندهید. خدای متعال دلیل این فرمان خود را این‌گونه بیان می‌فرماید: «فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ». یعنی آن فرد در جواب دشنام شما به مقدسات شما که در راس آن حق تعالی قرار دارد، توهین خواهد کرد. عَقْلًا هم در این شرایط فرد دشنام دهنده‌ی اول را که رفتار او منجر به چنین پاسخی شده است را مقصر می‌دانند و عمل او را تقبیح می‌کنند.

اگر ما بخواهیم در مورد افرادی که در اطراف رسول اکرم صلوات‌الله‌علیه و آله بودند اطلاعات پیدا کنیم باید از راه‌های علمی مربوطه مانند علم رجال این بررسی را انجام دهیم. گاهی از اوقات اتفاقاتی رخ می‌دهد که ما یقین کنیم که تنها معصوم صلوات‌الله‌علیهم همان چهارده نفر هستند. در یک جلسه خصوصی، شخصی در محضر آیه‌الله اراکی گفته بود که در مورد این‌که چه کسی پدر یکی از رؤس منافقین است، بین چند نفر اختلاف نظر وجود داشت. ایشان در پاسخ از اصطلاح «هفت جوش» استفاده کرده بود، یعنی این امر مورد اختلاف بین هفت نفر بود.

ضرورت الگوبرداری از معصوم صلوات‌الله‌علیهم در لعن دشمنان خدای متعال

برای روشن شدن این‌که در هر جلسه‌ای با توجه به حضور افراد مختلف چگونه باید سخن گفت به عملکرد معصوم صلوات‌الله‌علیهم توجه می‌کنیم. در زیارت عاشورا ابتدا به صورت کلی لعن ذکر می‌شود. پس از سلام، به صورت مشخص‌تر، اولی و دومی و سومی و چهارمی و یزید به عنوان نفر پنجم مورد لعن قرار می‌گیرد. ما حق نداریم از معصوم صلوات‌الله‌علیهم بازخواست کنیم که چرا در ابتدا با تعبیر «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ» این لعن را مطرح کردید و سپس صریح‌تر آن را بیان فرمودید. ما می‌توانیم از یکدیگر مطالبه دلیل کنیم ولی فرمایش معصوم

صلوات‌الله‌علیهم دقیقا مطابق اراده حق تعالی است.

حضرت شب هشتم ذی‌الحجه سال شصت در مکه فرمودند: «رضا الله رضانا أَهْلَ الْبَيْتِ، تَصْبِرُ عَلَى بَلَائِهِ، يُؤَفِّقُنَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ» رضای ما و رضای حق تعالی یکی است. این جمله تعارف نیست، بلکه حداقل اعتقاد شیعه است و ارادت کمتر از این به اهل بیت صلوات‌الله‌علیهم به معنای شیعه نبودن است.

شیعه‌ی متمدن متدین با پیروی از اولیاء خدا، آنچه را که ایشان با اشاره بیان می‌فرمایند، با اشاره بیان می‌کند و آنجایی که ایشان روشن‌تر مطلبی را مطرح می‌فرمایند، به همین صورت عمل می‌کند. ما باید بنده‌ی بنده‌ی خدا باشیم تا بنده‌ی خدای متعال شویم. چهارده معصوم صلوات‌الله‌علیهم بندگان حق تعالی هستند. تا هنگامی که ما نسبت به ایشان این بندگی را نداشته باشیم، معنای عبودیت را درک نمی‌کنیم.

از سلمان رضوان‌الله‌علیه نقل شده است که نیمه شب به منزل امیرالمومنین صلوات‌الله‌علیه رفت. حضرت مشغول قرائت قنوت نماز شب بودند و در قنوت خود دعایی می‌خواندند. این دعا به عنوان صَمَمِ قَرِيش از سلمان برای ما نقل شده است. از این نقل ما می‌فهمیم که این لعن را باید در قنوت نماز شب خواند و ما حق خواندن آن را در بالای منبر نداریم. مگر این که مشخص شود که معصوم صلوات‌الله‌علیهم یک بار آن را در خطبه‌ای به صورت عمومی خوانده‌اند. تا هر کجا که حضرت صادق صلوات‌الله‌علیه پیش رفته است ما حق پیش‌روی داریم. با کنایه یا تصریح سخن گفتن معصوم صلوات‌الله‌علیهم الگوی ما است.

در ایه شریفه از سوره حدید بحث رسالت و امامت مطرح است و موضوع امامت با کلمه میزان ذکر شده است. علاوه بر انتقال ذهن ما به وجود مقدس امام صلوات‌الله‌علیهم، ما به نقش ایشان در زندگی خود، یعنی نقش ترازو بودن هم پی می‌بریم. این ترازو وسیله‌ی سنجش فکر و خیال و سلیقه و عقل ما است. همه‌ی افراد عقل خود را کامل می‌دانند، اما در واقع چنین نیست. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»، در واقع گروهی از افراد خسralدنیا والاخره هستند، زیرا از لذایذ دنیوی هم چشم پوشی کرده‌اند.

در بحث مربوط به تولی و تبری، برخی مردم با تمسک به موضوع تبری، خواسته‌های نفسانی خود را برآورده می‌کنند. اول باید تصمیم بگیریم که بفهمیم، آن‌گاه باید از کلمه‌ی میزان استفاده کنیم و به محضر حضرت صادق صلوات‌الله‌علیه و امیرالمومنین صلوات‌الله‌علیه برویم و اظهار تبری را از ایشان فرا بگیریم. پاسخ امیرالمومنین صلوات‌الله‌علیه به سوال ما از عملکرد ایشان در قرائت دعای موسوم به صَمَمِ قَرِيش در قنوت نماز شب مشخص می‌شود.

اگر می‌خواهید دل را بسازید، بعد از کتاب، آن را با میزان مذکور در آیه‌ی کریمه تطبیق دهید. بنده برای تشفی خاطر خود، هر شب قبل از نماز صبح چند صد بار لعن زیارت عاشورا را تکرار می‌کنم. ما از عمل امیرالمومنین صلوات‌الله‌علیه که توسط سلمان برای ما نقل شده است الگو می‌گیریم. مطمئنا دلسوزی ما برای صدیقه کبری سلام‌الله‌علیها قابل مقایسه با داغدار شدن امیرالمومنین صلوات‌الله‌علیه در آن مصیبت نیست. ما همان‌گونه که پدرم می‌فرمود باید بفهمیم که شعور خوب چیزی است. آن‌قدر دل امیرالمومنین صلوات‌الله‌علیه از مریدهای بی شعور به درد آمد که فرمود من حاضر هستم چند نفر از مریدهای خود را با اطرافیان معاویه معاوضه کنم.

هر چه توجه به ولی عصر صلوات‌الله‌علیه در شب و روز بیشتر شود به خدای متعال نزدیک‌تر شده ایم.